

واژه آدم از چشم انداز لغت‌شناسی در ادیان ابراهیمی

آدم تصویر خداست

● وبدا احمدی

آدم در تمامی ادیان تصویر خداست و این به آن معناست که او چون شاهکاری به آفرینشگر خویش بسیار شبیه است: آدم به صورت خداست. از نقطه نظر نمادین می‌توان این سخن را که آدم به صورت خداست، چنین تعبیر کرد که انسان مثل یک شاهکار هنری به چهره‌ی نقاشی که آن را کشیده شبیه است. (۱) در هر سه دین ابراهیمی، اینکه آدم وجهه‌ی الهی دارد، در زمره باورهای بنیادی است. در دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن نیز بر این مهم تأکید شده است. در سنت یهود، تحت تأثیر ایرانیان و نوافلاطونیان بر روی نمادهای اولین بنیهای سفر بیدایش بسیار تعمق و مطالعه کرده‌اند. آدم نشانه‌ی انسان خاکی است که خدا از زمین خلق کرده و با نفخه پروردگاریش به آن جان بخشیده است. (۲) اما نکته جالب توجه پیوند زبان و معنا در ساخت آدم در عبری اودم به معنای زمین شخم زده شده است و در تفسیری دیگر به معنی زمین انسانها... این قبایلی می‌گوید: قبل از جان گرفتن (این اودم) گولم (= گل) خوانده می‌شد که خاک رس بسیار نرمی است و خداوند برای ساختن جسم آدم از آن استفاده کرد. (۳) آیین قبایلی از آیینهای بسیار مهم عرفانی یهودی- مسیحی است که هویت برتر آدمی در آن تصریح شده است. اما آنچه مدخل بحث ما درباره‌ی هویت راستین آدمی است از اینجا آغاز می‌شود که در فرهنگ لغتهای قبایلی، گولم (Golem) به چند صورت تعریف شده است:

- (۱) موجود افسانه‌ای بر ساخته از خاک رس که از رهگذار جادوی قبایلی آفریده شد. قدمت اشاره به گولم به قدمت تلمود است. (۵)
- (۲) یکی دیگر از معانی گولم در زبان عبری پيله ی حشره (کرم ابریشم) (۶) می‌باشد.
- (۳) همچنین کلمه گولم از ریشه ی GILM مشتق شده است که به معنای ماده ی خام (۷) است.

(۴) GOLEM در قصه‌های عمیانه ی یهود، تمثالی است جان گرفته، این کلمه در ادبیات که بر مبنای تورات نوشته شده است به عنصر جنبی ناقص اطلاق می‌شود و در زبور داوود (۱۳۹:۱۶) راجع به آن چنین نوشته شده است: تو را حمد خواهیم گفت زیرا به طور مهیب و عجیب ساخته شده‌ام... چشمان تو چنین مرا دیده است. در قرون وسطی می‌گفتند مردان خردمند کلمات مقدس و یا یکی از نامهای پروردگار را می‌نویسند و در ذهن تمثال قرار می‌دهند و بدین ترتیب او را جان می‌بخشند. (۸) از سوی دیگر، نظر قرآن کریم بسیار در خور تأمل است. اینکه ماده ی اولیه خلقت آدم به تصریح قرآن، گل کوزه‌گری است نکته‌ی مهمی است که با آنچه که بیشتر به استناد تورات و سنت قبایلی گفته شد شباهت زیادی پیدا می‌کند و طرح و کاویدن آن در فهم پذیرتر کردن اهمیت هر چه بیشتر مفهوم آدم ضروری است. با نگاهی به معنای گولم و خاک رس یا همان گل کوزه‌گری معنا می‌دهد، ویژگی مشترک میان این هر دو نمود پیدا می‌کند. اینکه خاک رس، خاک بسیار نرم و شکل‌پذیری است که دست مایه‌ی کار سفالگر است. آن را به هر شکلی که بخواهد درمی‌آورد. خاک رس با هنر استاد، انقدر بالا و پایین می‌شود تا سرانجام شکل نهایی خود را بیابد، این نتیجه را به دست می‌دهد که پویایی و استحاله‌پذیری که امتیاز و شرافت و کرامت آدمی است بر سایر آفریده شدگان، حتی در خود واژه ی آدم نیز وجود دارد. آدم از رهگذار

رنج و عشق، کیمیاگرانه راه سفر و سیر و سلوک را برای تحقق خود می پیماید. از سویی دیگر، از چشم انداز روانکاوانه که بی شک با نمادگرایی، پیوندی بسیار نزدیک و عمیق دارد نیز آدم بسیار در خور توجه است. کارل گوستاو یونگ در تحلیل روانکاوانه آدم، از سنتهای قبلائی و کیمیاگری بسیار یاری جسته است. شواهد بسیاری در مجموعه آثار به جای مانده از او وجود دارد که دلالت بر چنین تأثیرپذیری و بذل توجهی می کند. آدم کادمن (Adam Kadmon) که از آن با نام انسانی ازلی (Primordial Man) یاد کرده اند، در طرح مفهوم پویای آدم در روانکاوی یونگ به او کمک شایانی کرده است. در تحلیل یونگ، آدم، انسان کیهانی است. خاستگاه تمام نیروهای روانی که اغلب در قالب یک حکیم پیر با نمونه ی ازلی پدر یا نیا پیوند می شود. تصور مرد پیر از حکمتی نفوذناپذیر و تجربه ای طولانی و در داور ناشی می شود. (۱۰) از آخرین عبارات این تحلیل یونگ از آدم، هویت استحاله پذیر و پویای آدمی که از رهگذار تجربه ای معنوی و صدا البته همراه با رنج و درد و آزمونهای سخت تحقق می یابد پیداست. در ادامه ی همین مطلب اینطور آمده است: او (آدم- انسان کیهانی) در روایای افراد ممکن است به صورت یک بیغمبر، یک پاپ، یک دانشمند، یک فیلسوف، یک پدرسالار یا یک زائر درآید. دیدن یک حکیم پیر، نماد نیاز به تکمیل خود با حکمت قدیم یا تحقق خرد پنهان است. (۱۱) این نماد در تحلیل یونگ از یکی از اساسی ترین ارکان روانکاوی او یعنی تولد دوباره (Rebirth) بسیار مطرح است. او در کتاب روان شناسی و دین در این باره می گوید: آدم ثانی عبارت از انسان روحانی است. او را با نام آدم کادمن نیز خوانده و غالباً با مسیح یکی دانسته اند. آدم اول چون از چهار عنصر عالم ساخته شده بود فانی بود و حال آنکه آدم ثانی که از جوهر پاک و فسادناپذیر آفریده شده، فناپذیر است. توماس دروگین چنین می گوید: آدم ثانی که از عناصر ساده ترکیب یافته به ابدیت نایل شده و از آنجا که سرشت او جوهر ساده و پاک است، همیشه باقی خواهد ماند. (۱۲) یونگ در تأیید و تأکید این مطلب که مفهوم آدم در میان کیمیاگران نیز بسیار مورد توجه بوده است در یکی از یادداشت‌های همان کتاب می نویسد: کتاب ساعت طلائی از قول فلاسفه ی کیمیاگر می گوید: پسر خدا که همه چیز است عبارت است از آدم یا تو (Toth) است که از چهار عنصر و چهار جهت اصلی ساخته شده است. (۱۳) به بیانی دیگر این همان آدم نخستین گنوسی یا انسان جبلی الهی (۱۴) است.

پی نوشتها:

- ۱- ژان شوالیه و آلن گزبرین - فرهنگ نمادها - ترجمه ی سودابه فضائلی - نشر جیحون - جاب اول - تهران ۱۳۷۸ - جلد اول - ص ۸۶
- ۲- پی وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمدم بیش او به سجده در افتد.
- ۳- ژان شوالیه و آلن گزبرین - فرهنگ نمادها - ترجمه ی سودابه فضائلی - جلد اول - ص ۸۸
- ۴- همان - جلد اول - ص ۸۹
- ۵- Kabalistic Dictionary- hom.earthlink.net/KABDICT.htm
- ۶- www.members.aol.com The Baking Golem
- ۷- Ibid
- ۸- کارل گوستاو یونگ - روان شناسی و کیمیاگری - ترجمه ی پروین فرامرزی - انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی - جاب اول - مشهد ۱۳۷۳ - باورقی ص ۸۴
- ۹- لسن را از گل خشکیده ای سفال مانند آفرید.
- ۱۰- ژان شوالیه و آلن گزبرین - فرهنگ نمادها - ترجمه ی سودابه فضائلی - جلد اول - ص ۹۱
- ۱۱- همان - ص ۹۲
- ۱۲- کارل گوستاو یونگ - روان شناسی و دین - تألیف و ترجمه ی فواد روحانی - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی چاپ سوم تهران ۱۳۸۲ - ص ۶۴
- ۱۳- همان - ص ۷۵
- ۱۴- همان - ص ۳۲۸